

# اهمیت دیوان رسالت در تطور زبان ادبی فارسی

آندری یو یرتلس

مسکو

## اهمیت دیوان رسالت در تطور زبان ادبی فارسی

دانشمندانی که دربارهٔ خصوصیات مکاتیب و مراسلات و اسناد اداری ایران مربوط به قرون پنجم و ششم و هفتم هجری تحقیق و تتبع نمودند بیش از هر چیز متوجه سبک پیچیده و با دبدبه و پختگی عبارات آن گردیدند و از کثرت کلمات عربی در آن اسناد، گله‌گزاری نمودند. مثلاً شاعر نابغه و دانشمند متبحر ایرانی ملک‌الشعراء بهار در کتاب مشهور خود یعنی «سبک‌شناسی» چند نمونه از منشآت بقلم ماهرترین دبیران قرن ششم هجری، بهاء‌الدین محمد مؤید بغدادی، مثال آورده به این نتیجه رسیده است:

«این نامه و بسیار نامه‌های دیگر از این قبیل مقدمهٔ فساد نثر [فارسی] است». (جلد دوم، ص ۲۸۱). «درین نثر... لغات تازی به صدی‌شصت و گاهی صدی هشتاد رسیده‌است... و بالجمله باید اعتراف کرد که مقدمهٔ فساد نثر درین دوره آغاز می‌شود و بلای عام و تطویلات بلاطایل و عبارات بیمغز از این زمان بر سر نثر زیبایی پارسی فرود می‌آیند و ... هنوز نویسندگان چیزی از متقدمان در سینه دارند» (ص ۳۷۹-۳۸۰).

آقای دکتر حسین خطیبی در کتاب «تاریخ تطور نثر فنی» همچنین می‌نگارند: «در سد استواری که بین زبان عربی و فارسی تا این زمان [یعنی تا قرن ششم هجری] موجود بود رخنه‌ای ایجاد شود و بتدریج وسیع‌تر گردد تا آنگاه که... راه هجوم لغات عربی به زبان فارسی بکلی گشاده شود.» (ص ۴۸)

توضیح آینده - قسمتی است از متن سخنرانی که در کنگرهٔ تاریخ اداری و اجتماعی ایران (همدان، ۱۳۵۶) که به موجب تصویب املاک و انشاء در نه‌شنبه در بخش عقاید و آراء جاد م‌شود.

بنده جرات میکنم در این باره اظهار نظر متفاوت را بنمایم: استنتاج و استنباط دانشمندان خیلی محترم که بنده آن را نقل قول نمودم، قطعی نیست. بنده بر آنم که تطور نشر اسناد، نشر اداری، نشر مخصوص و مشروط، تطور سبک اسناد، فقط فساد زبان فارسی نبوده، بلکه آنرا یکی از عوامل مهم تطور زبان ادبی فارسی باید شمرد. متأسفانه ما تا بحال راجع به تتبع مخصوص، درباره آن رلی که سبک اسناد و مراسلات واقعا در تحول لغت و اصطلاحات و همچنین صرف و نحو زبان فارسی بازی کرده، اطلاعی نداریم.

منظور اساسی این سخنرانی کوتاه عبارت از آن است که توجه دانشمندان محترم را به لزوم تحقیق و تتبع وسیع درباره اهمیت زبان اداری برای تطور زبان ادبی فارسی جلب بنمایم و کوشش بکنم اولین طرح این تحقیق آینده را بیان دازم. زبان اداری - عرصه ارتباط درون جامعه است که در آن پیش از همه تمام تفاوت‌های گویش‌های محلی باید از بین بروند و زبان یگانه و مفهوم به تمام استعمال‌کنندگان بوجود بیاید، زبانی که بعد تدریجا به زبان تمام ملت تبدیل می‌شود. پیدا شدن اینچنین زبان - یکی از مهم‌ترین علامات تکامل ملت واحد است و هم عامل نیرومند متحد شدن ملت میباشد.

شکی نیست که در تحقیق راجع به تکامل زبانهای ادبی ملل مختلف و رل زبان اداری در این پروسه، خصوصیات تاریخی متحد شدن هر ملت را در نظر باید داشت و از قالب‌های تاریخ ملل دیگر کورکورانه استفاده نباید کرد. تا این فکر روشن‌تر شود چند مثال از تاریخ زبانهای مختلف می‌آوریم.

در تاریخ تطور زبان ادبی فرانسه دانشمند مشهور (Vaugelas) مفهوم *bel usage* را در نیمه اول قرن هفدهم میلادی اختراع نموده و گفته بود که زبان صحیح و زیبای فرانسه - زبان نویسندگان بهترین و زبان دربار باید باشد. بسا وجود اینکه زبان نویسندگان، زبان ادبیات، شعر و تئاتر، زبان مخصوص است یعنی زبان مجازی، زبان پر از کنایه و استعاره و صنایع دیگر، فرهنگ‌نویسان اروپایی و شرقی از دانشمندان فرانسوی تقلید کرده امثال زبان صحیح، «نرماتیف» بیشتر از اشعار و آثار نویسندگان می‌آورند اگرچه بسا این امثال از اختراعات شاعر می‌باشند و گاهی منحصر یفرداند و مردم این‌طور نمی‌گویند. زبان ادبیات، شعر البته یکی از ریشه‌های زبان ملی است، اما ریشه یگانه نمی‌باشد و از این منبع برای تعیین فرم با احتیاط استفاده باید کرد.

در تاریخ مطالعه زبان آلمانی در قرن گذشته گروه دانشمندان اهمیت زبان اداری صده چهاردهم را بزرگ جلوه داده و آن را منبع اصلی نرم بعدی ادبی شمردند. سپس دانشمندان دیگر پیچیدگی راه «سنتزه» عناصر مختلف را در تطور زبان ادبی آلمانی نشان دادند.

در تاریخ مطالعه زبان روسی هم زمانی بود دانشمندان از زیانشناسان آلمانی تقلید کرده زبان اداری را «ریشه اصلی» زبان ادبی روسی شمردند. آنها خاطر نشان

کردند که در روسیه قدیم دو تا زبان متداول بوده یعنی زبان کتابی (اسلاوی باستانی) که کشیش‌ها به آن انجیل و تورات و زبور را ترجمه نمودند، و همچنین زبان روسی-زبان اداری و محاوره‌یی. بعد از تتبع عمیق و وسیع معلوم گردید که زبان اداری یگانه ریشهٔ زبان ادبی روسی نبوده بلکه منابع آن متعدد بودند.

پس اساس تحقیق مزبور دانشمند متبحر روس ویکتور وینوگرافد Victor Vinogradov (وفات سال ۱۹۶۹ میلادی) تئوری عمومی خصوصیات متشابه تطور زبانهای ادبی شرق و غرب را ایجاد نمود.

میان خصائص عمومی مختص به تطور زبانهای همهٔ ملل خاور و باختر، ویکتور وینوگرافد سه خاصیت را مشخص می‌سازد. خاصیت اول که مربوط به درهٔ فئودالیزم است یعنی دورهٔ قبل از تکمیل تصور زبانهای ادبی ملی، استعمال یک زبان خارجی ادبی در ادبیات و کتابت می‌باشد. مثلاً آن مللی که به زبانهای ایرانی مختلف و زبانهای ترکی حرف می‌زنند، دوره‌یی بود، به زبان عربی کتاب می‌نوشتند و تا بحال هم از این زبان قدری بالاخص در الهیات استفاده می‌کنند؛ در ژاپن و کره در قرون وسطی زبان ادبیات، کتبی - چینی بود. نزد اهالی آلمان قدیم و اسلاوهای غربی، و ملل روسی (فرانسه، ایتالیا) - زبان لاتینی، نزد نژادهای اسلاو شرقی (هم روس) - زبان اسلاوی باستان (بلغاری قدیم) متداول بود و ملل کنار دریای بالٹیک (در لیتوانی و لتونی) چند قرن به زبان آلمانی کتاب می‌نوشتند. میان زبانهای نامبرده زبانهایی هستند که به یکدیگر خیلی نزدیک اند، از گروه و سیستم دستوری، مثل روسی و بلغاری قدیم، و هم زبانهایی که ساختمانهای گرامری و لغت آن خیلی دوراند مثل زبان فارسی (گروه هندو اروپایی) و عربی (گروه سامی). با وجود این در قرون وسطی ملل مختلف بیشتر به زبان مادری خود حرف می‌زدند، اما به زبان دیگر، گاهی هم کاملاً نامفهوم اما تکمیل ادبی یافته، کتاب و اسناد می‌نوشتند.

خاصیت دوم تطور زبانهای ادبی عبارت از آن است که ملل مختلف در دورهٔ بعدی از زبانهای خارجی قرون وسطی برای تحول زبان مادری خود به اطوار و انحاء متفاوت استفاده نمودند، و خاصیت سوم این پروسه - تناسب مختلف زبان کتبی و زبان محاوره در کشورهای گوناگون، در دوره‌های متوالی.

ویکتور وینوگرافد تنوع جریان بوجود آمدن زبانهای ادبی در کشورهای مختلف را مطالعه کرده به آن نتیجه رسید که زبان ادبی ملی نتیجهٔ تجرید یا، باصطلاح واندریس *argot litteraire (vandyres)* نیست، بلکه «... یک سیستم مرکب دینامیکی متحرک و دارای مقصود است، که در آن با وجود یگانگی درونی ساختمان، تأثیر متقابل قسمتها و عناصر گوناگون [یعنی زبان خارجی کتبی، زبان محاوره، گویش‌ها] همیشه جاری می‌باشد. زبان ادبی ملی مثل یک مرکز جذب‌کننده و هستهٔ اساسی این سیستم عناصر مختلف می‌شود». (چاپ مسکو، ۱۹۶۷)

این فکر وینوگرافد دور است از نظریات سطحی و یک‌جانبهٔ آن دانشمندان، که جوپای «ریشهٔ اصلی» زبان ادبی فقط در زبان نظم یا زبان اداری دورهٔ معین هستند.

بعقیده او زبان ادبی تحول‌پذیر است و ساختمان و تناسب اجزای آن در هر دوره تاریخی برای ابراز طرز تفکر آن دوره و بالابردن سطح فرهنگی ملت همیشه تغییر می‌یابد.

اگر ما با این فکر موافق شویم، باید بیش از پیش راجع به تأثیر متقابل زبان فارسی و عربی، گویش‌های محلی و زبان ادبیات، تحقیق و تتبع بکنیم و در این تحقیق اهمیت زبان اداری را، با وجود عیوب سبک آن (این زبان هم از قدیم متحدالشکل بود در تمام کشور) نشان بدهیم. ما هنوز نمی‌دانیم چطور شده که در دوره غزنوی تمام انواع نامه‌ها را که از دیوان رسالت صادر می‌شد، از قبیل منشور و مطلقه و مواضعه و پیمان‌نامه و سوگندنامه و فتح‌نامه و غیره با وجود رواج گویش‌های محلی گوناگون، دبیران و مأمورین دولت در تمام کشور می‌توانستند بفهمند. معلوم است که «الفهرست» ابن‌الندیم و منابع دیگر درباره زبان اداری ایران «دری» که پیش از اسلام زبان معاشرت نمایندگان شهرهای دوردست بوده، سخن می‌گویند، اما، متأسفانه، اثری از آن باقی نمانده.

باید هم خودمان را بپرسیم که دخول کلمات عربی به زبان فارسی فقط فساد نثر بود یا نه؟ شادروان محمد معین در مقدمه «فرهنگ فارسی متوسط» (ص ۱ و چهار) می‌نگارند که «ایرانیان در مقابل زبان عربی مقاومت کردند، اما در «قرون اول اسلام (تا قرن پنجم) تنها لغاتی که معادل فارسی نداشته و همچنین لغات اداری [و دینی] عربی... داخل ادبیات فارسی شده. بعد از این جمله ایشان عده زیادی از کلمات عربی اداری را که از قرن سوم هجری تا بحال مستعمل‌اند مثال می‌آورند.

این کلمات البته داخل زبان فارسی شدند. دانشمند دیگر آقای سید حسین نصر به آن نتیجه رسیدند که فقط بعد از زمان نصیرالدین طوسی که اصطلاحات علمی و فلسفی عربی را در آثار خود بسیار استعمال می‌کند، سیستم اصلی اصطلاحات فلسفی زبان فارسی بوجود آمده. این وضعیت را در زبانهای دیگر هم می‌بینیم. مثلاً زیان‌شناسان حساب کردند: در زبان انگلیسی ۵۵ درصد کلمات و این بیشتر اصطلاحات، از فرانسه و لاتینی اقتباس شده، و تأثیر فرانسه که از سده یازدهم میلادی چند قرن در انگلستان زبان کتبی و اداری بوده هم در صرف و نحو انگلیسی دیده می‌شود. تأثیر متقابل زبان فارسی و عربی مخصوصاً در زبان اداری به درجه زبان فرانسه و انگلیسی تا بحال مطالعه نشده است.

هسته اساسی و مرکزی زبان ادبی فارسی این، با عبارت بالا نامبرده، «سیستم دینامیکی»، البته کلمات فارسی اصلی بودند، اما این هسته هم منجمد نبود و در آثار شاعران ناپه و دبیران ماهر و محاوره مردم همیشه تکمیل می‌یافت.

معلوم است که در قدیم هم ادبای ایرانی جرات کردند به زبان گفت‌وگو شعر

۱- ر. ک. به: محمد مهدی رکنی بزدی، دیوان رسالت و آیین دبیری از خلال تاریخ بیهقی، «یادنامه بیهقی» مشهد، ۱۳۵۰، ص ۲۵۵-۲۷۲.

۲- دکتر سید حسین نصر. مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق، تهران، ۱۹۶۸، ص ۱۴ بعد.

بگویند و کلمات فصیح گویش‌های محلی را در آثار خود درج نکنند. اینجا، در شهر همدان، اول باید نام بزرگت باباطاهر را ببریم که آنقدر خوب به زبان محلی شعر می‌گفت. که اشعار او تا بحال مشهوراند. غیر از او بندار رازی به گویش دیلمی شعر گفته و دیواره وز مسته‌مرد - به گویش طبری. اما آن ادبا هم که به زبان فصیح دری کتابها را تالیف کردند از کلمات گویش گاهی اجتناب نکردند. آقای عسکر حقوقی<sup>۳</sup> در تفسیر ابوالفتوح رازی نیز چند کلمه را از گویش روستای الویر پیدا کردند. ناصر خسرو در قصاید فلسفی خود ضرب‌المثل‌های عامه خراسان را می‌آورد<sup>۴</sup>. متن طبقات انصاری به گویش هرات معلوم است.<sup>۵</sup>

واضح است که طی قرون سوم تا ششم هجری و بعد زبان فارسی از منابع هم عربی و هم گویشها فقط در آثار ادبی تا اندازه‌ای مطالعه کردند. تأثیر گویشها هم در زبان اسناد قدیم اداری باید باشد. دبیران تا این تأثیر را از بین ببرند و کار خود را آسانتر بسازند به قسمتهای هر سند و مکتوب شکل فرمول معین دادند و در قرن نهم هجری ملا حسین واعظ کاشفی در «مغز الانشاء» و «صحیفه شاهی» عده‌ای از آن فرمولها را در جداول جمع‌آوری کرده. مطالعه تکمیل این فرمولها در کتابهای منشآت طی چند قرن باید تکمیل عبارات و قواعد گرامری زبان فارسی‌نرماتیف را معلوم بسازد. دبیران زبردست برای متحد کردن ملت ایران هم از این لحاظ البته بسیار خدمت کردند.

برای تصدیق فکر ما درباره تأثیر متقابل زبان اداری و زبان محاوره يك مثال می‌آوریم. استعمال کلمات نومراتیو از قبیل نفر و دانه و فروند و قبضه و اصله و تکه در زبان فارسی معلوم است، و چند قرن پیش واجب و یکی از قواعد دستور زبان شده. این قاعده هم داخل زبان محاوره شده است. در شهر طهران می‌گویند: «یه دونه مسمون»، «یه دونه فرزند»، «یه دونه هندوانه» و آقای ژیلیر لازار Gilbert Lazard در «دستور زبان فارسی امروزه» عبارت «یه دونه آقا» (ص ۹۱) را مثال آوردند و بنده هم «یه دونه چایی» بسیار شنیدم. به نظر پنج استاد بزرگت زبان فارسی، یعنی ملک‌الشمراء بهار، عبدالعظیم قریب، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی و رشید یاسمی این کلمات نومراتیو تحت تأثیر عبارات اسناد اداری معمول و متداول و قاعده زبان فارسی گردیدند (ر. ک. به: «دستور زبان فارسی» ۱۳۳۳، ص ۲۰). تحقیق و تتبع راجع به لغت و دستور زبان اداری باید عده زیادی از حقایق شبیه مثال آورده کشف بکند.

اهمیت مطالعه تاریخ زبان ادبی فارسی، نرم این زبان، سبک‌های مختلف این زبان، با توسعه رادیو و تلویزیون روز بروز بزرگتر می‌شود. چند سال پیش استاد

۳- ر. ک. به: سخنرانیهای دومین کنگره تحقیقاتی ایرانی، مشهد، ۱۳۵۱، ص ۵۱-۵۳.

۴- مهدی محقق، تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۸۵.

۵- مقاله انگلیسی و. ایوانف راجع به طبقات انصاری به زبان باستانی هرات در مجله

محترم آقای پرویز ناتل خانلری در مجله «سخن» (شهریور سال ۱۳۵۲) به سؤال یکی از خوانندگان درباره راه تطور زبان فارسی جواب دادند و ضمن این جواب راجع به سرچشمه زبان دری فرمودند: «دستگاه مرکزی برای روابط اداری و اجتماعی نمی توانست چندین گویش متفاوت را به کار ببرد و ناگزیر می بایست یک زبان اداری رسمی داشته باشد. این زبان که در نتیجه تکامل یکی از گویش های ایرانی بود «دری» خوانده می شد و لفظ «دری» درست به معنی رسمی و «اداری» است و همین زبان است که بعد از اسلام نیز در دستگاه امیران مستقل یا نیمه مستقل ایران (مسانند سفارهای و سامانیان و غزنویان) دوام یافت و با پذیرفتن الفاظ و اصطلاحات فراوان از زبانهای دیگر ایرانی و غیر ایرانی توسعه یافت، و اکنون بیش از هزار سال است که مقام زبان رسمی و ادبی و علمی سراسر ایران را حفظ کرده...».

بنده امیدوارم که بعد از تحقیق دقیق جنبه مهم اداری زبان دری روشن تر خواهد شد.

### تصحیحات مقاله شطح

قسمت اول، سال نهم، شماره ۷:

- صفحه ۵۱۰، سطر ۲۳، خواندن به خوان اصلاح شود.
- صفحه ۵۱۱، سطر ۱۷، مدرک به مدرک از اصلاح شود.
- صفحه ۵۱۷، سطر ۵، عبدالعاشقین به عبیرالعاشقین اصلاح شود.
- صفحه ۵۱۷، سطر ۹، مراجعه ترد به مراجعه کرد اصلاح شود.
- صفحه ۵۱۷، سطر ۱۳، مجموعه یادواره به گیب، مجموعه یادواره اصلاح شود.

قسمت دوم، سال نهم شماره ۱۴:

- صفحه ۸۹۰، سطر ۸، کتاب شطحیات به کتاب شرح شطحیات اصلاح شود.
- صفحه ۸۹۰، سطر ۱۰، که تأویل به که در تأویل اصلاح شود.
- صفحه ۸۹۰، بعد از سطر ۱۱، اضافه شود: «شطحیات صوفیان را، چنانکه نظیر این عمل را دقیقاً در تفسیر بزرگ قرآن خود (۱۳)»
- صفحه ۸۹۰، سطر ۲۶، بعد از «کلام قرآنی» اضافه شود: «و کلام نبوی را، همچون کلام برخاسته از شطح (۱۴)، توصیف نماید. منطوق قرآنی»
- صفحه ۸۹۱، سطر ۱۰، این ظاهری به این ظاهر اصلاح شود.
- صفحه ۸۹۱، سطر ۱۹، شطح به شطح (به فتح هـ سه حرف) اصلاح شود.
- صفحه ۸۹۲، سطر ۸، [ص ۱۶] زائد است.
- صفحه ۸۹۳، حاشیه، Sebastian Tranek \*
- صفحه ۸۹۳، بعد از سطر آخر، اضافه شود: «چهره های مذهب پروتستان در آلمان است. این امر توارد ساده ای نیست و در جای»
- صفحه ۸۹۴، بعد از سطر ۶، اضافه شود: «رابطه خداوند و دنیا»
- صفحه ۸۹۴، سطر آخر، حاشیه ۶ به حاشیه ۱۳ اصلاح شود.

سیمین دخت جهان پناه تهرانی